

## ژیلسون با ابن سینا برخوردی دوگانه دارد

عضو هیئت علمی گروه فلسفه دانشگاه تهران با اشاره به اینکه ژیلسون در پی نقد مسائل دوران مدرن از طریق فلسفه مسیحی بود، گفت:



عضو هیئت علمی گروه فلسفه دانشگاه تهران با اشاره به اینکه ژیلسون در پی نقد مسائل دوران مدرن از طریق فلسفه مسیحی بود، گفت: برخورد ژیلسون با ابن سینا دو گانه است، درباره فهم او از ابن سینا هم همین طور است یعنی از یک سو مسائل بسیاری را در ابن سینا به خوبی فهمیده و از سوی دیگر برخی موارد را به طور کلی درک نکرده است.

به گزارش خبرنگار مهر، به تازگی کتاب "تاریخ فلسفه مسیحی در قرون وسطی" اثر اتین ژیلسون فیلسوف فرانسوی، با ترجمه رضا گندمی نصرآبادی از سوی انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب و انتشارات سمت منتشر شده است.

ژیلسون در این کتاب به فلسفه مسیحی پرداخته و دوره تاریخی پانزده قرن را بررسی می کند و در عین اختصار به ابعاد و زوایای مختلف تفکر متألهان و فیلسوفان مسیحی قرون وسطی پرداخته است. علاوه بر ابن ژیلسون در بخش پنجم و ششم، به فلسفه اسلامی و یهودی، از باب تأثیرگذاری آنها بر فلسفه مسیحی پرداخته است.

به همین مناسبت در ادامه مجموعه نشستهای هفتگی شهرکتاب، نشست روز سه شنبه 31 خرداد به نقد و بررسی این کتاب اختصاص داشت که با حضور دکتر شهرام پازوکی، دکتر حمید طالب زاده و دکتر رضا گندمی نصرآبادی در مرکز فرهنگی شهر کتاب برگزار شد.

نصرآبادی: ژیلسون کلید واژه فلسفه قرون وسطی را به فلسفه مسیحی گره زده است

دکتر رضا گندمی نصرآبادی در آغاز این نشست گفت: پژوهشهای ژیلسون سبب شده است رویکرد تازه ای به فلسفه در قرون وسطی ایجاد شود چرا که وی بسیاری از تحولات فکری و فلسفی عصر جدید را در قرون وسطی ریشه یابی می کند.

وی افزود: کتاب "تاریخ فلسفه مسیحی در قرون وسطی" ژیلسون در مقایسه با آثار دیگر در این باره از جامعیت خوبی برخوردار است چرا که وی علاوه بر اینکه به فیلسوفان صاحب مکتب در دوران قرون وسطی می پردازد، متفکران درجه دو و سه را نیز مدنظر قرار داده و درباره ابن رشدیان لاتینی نیز سخن گفته است. نکته مهم دیگر یادداشتهای غنی پایانی کتاب است که حاوی نکاتی بسیار ارزشمندند.

مترجم کتاب "تاریخ فلسفه مسیحی در قرون وسطی" در ادامه با اشاره به چستی فلسفه مسیحی و اسلامی تصریح کرد: ژیلسون می گوید کاربرد درست فلسفه اسلامی در جایی است که به متکلمان اشعری می پردازیم و در واقع به نظر می رسد که وی اعتقاد چندانی به فلسفه اسلامی ندارد. وی معیار تقسیم بندی فلسفه ها را زبان می گذارد و از فلسفه عربی سخن می گوید در حالی که اگر این طور باشد بسیاری از فیلسوفان یهودی به زبان عربی می نوشته اند و بنابراین سخن گفتن از فلسفه عربی کفایت می کرده است.

وی یادآور شد: ژیلسون کلید واژه فلسفه قرون وسطی را به فلسفه مسیحی گره زده است و به نظر می رسد به دیگر فلسفه ها اعتقادی ندارد. وی نیز همچون هگل فلسفه را به فلسفه باستان، فلسفه قرون وسطی و فلسفه عصر جدید تقسیم می کند هر چند به لحاظ زمانی کار خود را از قرن دوم شروع و به نحوی از تقسیم بندی هگل عدول کرده است.

پازوکی: "تاریخ فلسفه مسیحی در قرون وسطی" یکی از بهترین آثار در حوزه فلسفه قرون وسطی است

دکتر شهرام پازوکی دیگر سخنران نشست نقد و بررسی کتاب "تاریخ فلسفه مسیحی در قرون وسطی" بود که گفت: یکی از دلایل علاقمندی من به ژیلسون این نکته است که در فلسفه وی هم جایگاهی برای عقل و هم جایگاهی برای دین وجود دارد. از سوی دیگر فلسفه وی تا حد زیادی به فلسفه صدرایی نیز نزدیک است.

وی با اشاره به توجه به فلسفه توماس آکوئینی در جهان معاصر تصریح کرد: ژیلسون نیز مانند استاد خود ژاک ماریتن با اقتدا به توماس آکوئینی می کوشید جریانی فلسفی ایجاد کند و در آن وضعیت بحرانی تفکر دینی در جامعه مدرن را سامان دهد. اما

موضوع دیگری نیز وجود داشت و آن مناقشه در اینباره بود که آیا فلسفه مسیحی وجود دارد یا نه. امیل بریه از آنجایی که راسیونالیست و مورخ بود نمی توانست وجود فلسفه مسیحی را بپذیرد. ژیلسون اما می کوشید نشان دهد فلسفه مسیحی در قرون وسطی وجود دارد که نه از جنس فلسفه یونانی است و نه از جنس فلسفه مدرن.

عضو هیئت علمی مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران ادامه داد: ژیلسون در کتاب "روح فلسفه در قرون وسطی" به هویت فلسفه مسیحی می پردازد و دلایلی برای اثبات سخن خود ذکر می کند. وی از فلسفه مسیحی دفاع می کند و می گوید نمونه تحقق آن تاریخ فلسفه مسیحی در قرون وسطی است. در واقع باید گفت فلسفه رسمی کلیسای کاتولیک فلسفه توماسی است.

مترجم کتاب "خدا و فلسفه" ژیلسون به هانری کربن، به عنوان یکی از شاگردان ژیلسون اشاره کرد و گفت: کربن می گوید من نام ابن سینا را نخستین بار از زبان ژیلسون شنیدم. کربن که اصرار دارد فلسفه اسلامی وجود دارد، ابن سینا را فیلسوف ایرانی مسلمان می داند. وی مباحث فلسفی را تاریخی نمی داند و به صراحت می گوید من پدیدارشناسم. ژیلسون اما هیچ سخنی از پدیدارشناسی نمی گوید هر چند روش وی شباهت زیادی به روش پدیدارشناسان دارد.

پازوکی در پایان با تأکید بر اینکه کتاب "تاریخ فلسفه مسیحی در قرون وسطی" را می توان یکی از بهترین آثار در حوزه فلسفه قرون وسطی و شاید یکی از پنج کتاب مهم در این حوزه در نظر گرفت، یادآور شد: نکته مهم دیگر این است که کربن نیز مانند ژیلسون فلسفه حقیقی را فلسفه ای می داند که سهم عقل و دین هر دو در آن مدنظر قرار گرفته باشد.

طالب زاده: برخورد ژیلسون با ابن سینا برخوردی دو گانه است

دکتر سید حمید طالب زاده دیگر سخنران این نشست با اشاره به اینکه ژیلسون در پی نقد مسائل دوران مدرن از طریق فلسفه مسیحی بود، گفت: برخورد ژیلسون با ابن سینا برخوردی دو گانه است. وی از یک طرف مبهوت عظمت ابن سیناست و از طرف دیگر نمی خواهد بپذیرد که ابن سینا برخواسته از یک حقیقت است. درباره فهم او از ابن سینا هم همین طور است یعنی از یک سو مسائل بسیاری را در ابن سینا به خوبی فهمیده است و از سوی دیگر برخی موارد را به طور کلی درک نکرده و بنابراین آنها را به شکل واژگونه مطرح کرده است.

عضو هیئت علمی گروه فلسفه دانشگاه تهران در ادامه به چند مورد از این مباحث که ژیلسون به درستی آنها را نفهمیده، پرداخت و افزود: ژیلسون در صفحه 276 از ابن سینا تقدیر کرده و از الهام دینی و گرایشهای عرفانی ابن سینا سخن گفته است. وی سپس در صفحه 277 ذیل بحث منطق چنین می گوید که حقیقت از آن موضوعاتی است که فاهمه ما می تواند آنها را جدای از تغییر در نظر بگیرد و آن دو نوع است؛ نوع اول حقیقت ضروری است که مطابق با موجودات ضروری و واجبی است نظیر خدا یا امور مفارق و نوع دوم حقیقت غیر ضروری است یعنی حقیقت مربوط به اموری است که وجودشان صرفاً جنبه امکانی دارد و غیر ضروری است.

این استاد فلسفه ادامه داد: این جمله از نظر فلسفی بسیار عجیب است چرا که ابن سینا نگفته امور مفارق واجب الوجودند. البته ترجمه دکتر گندمی در اینجا دقیق است اما در واقع فهم ژیلسون مغشوش است. ابن سینا می گوید فلسفه از اموری بحث می کند که در تصور و قوام نیازمند ماده نباشند. ژیلسون بحث حد و قوام را در اینجا اشتباه متوجه شده است.

وی سپس عبارت ابن سینا در مقاله اول کتاب منطق شفا را طرح کرد که این سینا در آنجا چنین می گوید: اموری هستند که این امور صحیح و درستند برای آنها که مجرد از حرکت باشند. این امور دو جور هستند، یکی آنکه واجب است که از حرکت بیروند مثل خداوند و عقول که ژیلسون این بخش را به درستی نفهمیده است چرا که تجردشان از ماده مطرح است نه وجوب وجودشان.

طالب زاده افزود: ابن سینا در ادامه اشاره می کند که برخی از این امور هم هستند که ممتنع نیست که در حرکت باشند یعنی می توانند در حرکت باشند اما از نظر حد و قوام مجردند مثل هویت، کثرت و ... و این بحث همان اشتباه فاحشی است که ژیلسون در فهم خود از ابن سینا مرتکب شده است.

مترجم کتاب دیگر اتین ژیلسون با عنوان "هستی در اندیشه فیلسوفان" با تأکید بر اینکه برخی اشتباهات در فلسفه، اشتباهاتی نابخشودنی اند، به مثالی دیگر در صفحه 281 کتاب "تاریخ فلسفه مسیحی در قرون وسطی" پرداخت و گفت: ژیلسون در اینجا ماهیت من حیث هی را توضیح می دهد و می گوید ابن سینا از تعریف نفس که در تعریف آن بدن نیست متوجه می شود که نفس بدن نیست. اما باید از ژیلسون پرسید که ابن سینا در کجا گفته است که در تعریف نفس، بدن نیست. در واقع وی در اینجا نیز دچار اشتباه در فهم ابن سینا شده است.

طالب زاده ادامه داد: ژیلسون در جایی دیگر از وجوب منطقی ماهیت سخن گفته است در حالی که ما در فلسفه اسلامی چنین چیزی نداریم و در واقع وی این مطلب را با وجوب ذاتی منطقی اشتباه گرفته است. وی همچنین مواردی چون قاعده الواحد، علم بسیط الهی و مفهوم آزادی را در ابن سینا نفهمیده است.

وی در پایان سخنان خود ضمن بیان این نکته که ژیلسون در مباحث خود درباره نفس ابن سینا، علیت و نیز نظریه افلاک ابن سینا سخنان بسیار ارزشمندی مطرح کرده است، برخی نکات را درباره ترجمه کتاب "تاریخ فلسفه مسیحی در قرون وسطی" نیز مطرح کرد.